

مجموعه شعر طنز و نه طنز

گلب آدم طنز و س می خواند

سیاک سلیمانی روشن

انتشارات تدبیر روشن

۱۳۹۶

سرشناسه : سلیمانی روشن، سیامک، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : کبک آدم خروس می خواند/ سیامک سلیمانی روشن.
 مشخصات نشر : تهران: تدبیر روشن، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص.
 روست : مجموعه شعر طنز و نه طنز.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۳-۳۵-۱
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی : شعر فارسی-- قرن ۱۴
 موضوع : ۲۰th century Persian poetry
 موضوع : شعر طنزآمیز-- قرن ۱۴
 موضوع : ۲۰th century Humorous poetry
 رده بندی کنگره : ۸۰۹۸ PIR ۱۳۹۵ ۱۳۹۵۴۴۷۵۲ / J
 رده بندی دیویر : ۶۲/۱۰۱
 شماره کتابشناسی : ۴۴۹۸۷۸۰
 ملی :



کبک آدم خروس می خواند

سیامک سلیمانی روشن

تدبیر روشن / تهران ۱۳۹۶

چاپ اول / شمارگان : ۱۰۰۰

شابک: ۱- ۳۵- ۷۴۷۳- ۶۰۰- ۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷		مقدمه
۱۳		خواب و خیال
۱۵		حالی آلوده یا ب
۱۷		چشم‌انداز
۱۹		آدم
۲۱		آبرو
۲۴		انگار می‌آید
۲۶		دل بُر
۲۸		از آب در آمد
۳۰		بهار خواهم شد
۳۲		حسرت سارا
۳۴		فضولی
۳۶		تمرین نداشتیم
۳۸		اتوماتیک
۴۰		نظر بازی
۴۱		حرف حساب
۴۶		دنیای وارونه
۴۸		هوا آلوده نیست
۵۰		سرکاری
۵۲		طعم خرما ل

۵۴	دلیم پیش تو مونده
۵۶	قند و نمک
۵۸	قند پهلوی
۶۰	شاد نیست
۶۳	خراهم آمد
۶۶	غم مخور ۱
۶۹	تضییع غذا حافظ
۷۴	بچه‌ی سیلا
۷۹	دهاتی
۸۵	گلایه
۹۰	دست بالای دست
۹۴	تا بوده چنین بوده و
۹۸	چرند و پرند
۱۰۲	غم مخور ۲
۱۰۶	ارز شناور
۱۰۹	قدق‌نامه
۱۱۱	دوبیتی‌ها
۱۲۷	رباعی‌ها
۱۵۴	منظومه‌ی خرپول و بی‌پول

مقدمه :

خود بروز و رنگ از چهره بساز چون تازیانه‌ی قهار طنز به
چرخش درآید. (چارلز چرچیل)

بهترین طنز ؛ آن که مطمئن‌ترین لحن را دارد ، شامل مطمئن‌ترین
ارزش‌هاست. اشاره‌ها ، ظریف طنزپرداز برای دفاع از حق ، بار دیگر طنز
نویس را به عنوان حامی و نگهبان هنجارها ، معرفی می‌کند.

طنز همیشه به تفاوت میان وضعیت چنان که هست و چنان که
باید باشد ، به شدت آگاه است. آنتر جنسین بین طنز خاص و عام ،
تمایز قائل است: « وجه تمایز طنز واقعی با هجو ، در این است که
بازتاب‌های طنز واقعی ، عمومی است در حالی که هجو ، شخص خاصی
را هدف خود قرار می‌دهد ». (فرهنگ واژگان)

هرگاه درک انسان از موضوعی نامتناسب باشد ، طعنه‌ریزی به اصلاح
او می‌پردازد. او با خنداندن ما ، گاه با پرخاش و گاه با تمسخر ، سلامت
ذهن ما را بر ایمان حفظ می‌کند. مخاطب باید بتواند از کلام اصلاح
طلبانه‌ی او که معمولاً با اغراق همراه است و حتی از خشم او ، لذت
ببرد.

نگارنده در اینجا برخی از ویژگی‌های بارز و خاص طنز را که
سراینده‌ی این اثر ؛ جناب سیامک سلیمانی روشن ، با مهارت خود از

آنها بهره گرفته و در اشعارشان به کار برده‌اند؛ برای شما دوستان بازگو می‌نمایم:

۱- به کاربردن تصاویر به زبانی ساده و قافیه‌های به روز:

عجب پیچ و خمی دارد نگاه پیچ در پیچ
که حیران مانده‌ام در جاده‌ی چالوسِ چشمانت
تو! حس می‌کنم از فرط اینکه دوستم داری
به دنبال منی با گشتِ نامحسوسِ چشمانت
چراغ سبز، به مه رفتند و شاعر

همونطور پشتِ فرمون مونده، ای عشق

۲- آوردن مضامین جدی در بن طنز؛ به طوری که با این طنز تلخ، مخاطب را به تفکر و تعمق وامی‌دارد:

آتش گرفت و سوخت تمام وجود من
دور چرا حاجت است به آتش نشانی‌ام
سوختنِ درون، جدی و سوختنِ بیرون و نیاز به آتش نشانی، طنز می‌باشد.

کیش می‌دهیم هردو، تو ناز و من این غزل
در کشمکش گذشت همه زندگانی‌ام

۳- به کارگیری واژه‌های محاوره و فولکلور:

لبی خندان و کامی خوش ندادی لااقل جایش
زد و خوردی «خفن»، دعوا و جنجالی بده یارب
خودت که «اِند» مردانی، شمالی هستم و دانی
به جای گندم و جو، یک بغل شالی بده یارب

۴- شوخی با داستان‌های مذهبی ، بدون توهین و هتک حرمت ، حتا شوخی با خداوند :

این نامه‌ی اعتراضی حوا بود: من سبب نخورده بودم ، اما آدم ...
یک روز هم آمد و شکایت آورد از رابطه‌ی فرشته‌ها با آدم
از خلقت ما ذوق نمود و هی گفت ایزد به خودش: ایول و هورا آدم ...

۵- تاسیه و پندهای اجتماعی ، اخلاقی در وقت نیاز :
وقتی که زبان ز حدّ خود بیرون زد/ با چند فشار ساده ، تو باید زدت

نگفتم شعریست ، اسم آن جایی که بو دارد
بفر : حال، دندت نرم و چشمت کور، می‌آید

۶- بیان معضلات اجتماعی :
از مترو و میدان و خیابان ، پ- بگویند ؟
وقتی شده ر کوچه و بن بست ، گدا ، پر ...

۷- به کارگیری تلمیحات دینی و اساطیری (خرن از آب در آمد)
از خاک و گلی کز ازل از آب درآمد

آدم خلف بی بدل از آب درآمد
اما پس از آدم که بلاواسطه حق بود

قابیل جوانش ، دغل از آب درآمد ...

۸- تهدید در حالت طنز در بعضی از غزل‌های اجتماعی و محاوره با
بیانی ساده اما دلنشین :

نیامدی تو و شش خط واحد آمد و رفت
به خط بعد نیایی ، سوار خواهیم شد

۹- غافلگیری : بیت آخری بعضی از غزل ها ، جدی می شود .

جدی مگیر محض مزاح است ، ورنه من
این گونه مرتکب به غلط ها نمی شدم

۱۰- واج آرایبی اتفاقی ، دلنشین و نه ؛ عمدی :

این تاب تابِ صندلیِ چرخدارِ من
تاب و توانِ این تنِ بی تاب ، می بُرد

۱۱- شعر " سیامک روشن " در شعر " فضولی " خود ، از همان
بیت های اول نیمه را شروع کرده و مخاطب را درگیر نوعی از
خشم و لبخند و تعجب از گستاخی شاعر می کند. مثلاً :

این بی عدالتی ست خدا ، بگریه من
محکومم . رمِ آدم و حوا نمی شدم (خشم)
حالا مرددم که در این چند روز
خوب است بنده ی تو شدم ، نمی شدم ؟ (لبخند و تعجب)
اما در بیت آخر ، دست خود را رو می کند ... و مخاطب تازه پی
می برد که با شعر طنز روبروست :

جدی نگیر ؛ محض مزاح است ورنه من
اینگونه مرتکب به غلط ها نمی شدم (لبخند)

جنگ و کشتار و ستمکاری و قتل و غارت

سر پول است که چرک کفِ دستش خوانند

سر پول است که در عالم هستی ، دایم

« ابر و باد و مه و خورشید و فلک » گردانند (لبخند و تحیر)

۱۲- یکی از ویژگی‌های بسیاری از غزل‌ها، استفاده از تلمیحات و ضرب المثل‌ها به صورت برعکس حالت اصلی آن می‌باشد :

یوسف که پریزاده‌ی دستانِ ترنج است
برعکس همیشه کچل از آب در آمد

این ناه‌هی اعتراضی حوّا بود من سیب نخورده بودم اما ، آدم
یک روز هم آمد و شکایت آورد از رابطه‌ی فرشته‌ها با آدم

یقین دارم بلاغِ متر کبکی راه خواهد رفت
از آن سو کبک هم در درّه قار و قار خواهد کرد
شتر هم پنبه دانه می‌خورد اما به بیداری
و گارس هم -واب- بنجه را نشخوار خواهد کرد

من به عنوان نگارنده‌ی مقدمه‌ی این کتاب ، شما عزیزان را به خواندن اشعار جناب آقای سیامک روشن دعوت می‌کنم تا حظّ لازم را از طنزهای اجتماعی و فاخرایشان برده و خود ؛ آرایه‌های مناسب و زیبای به کار رفته در این کتاب را دریابید.

با تشکر

فاطمه (مهرانه) نعیمی

فروردین ۹۶